



مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان

مدرسه علمیه زهراى اطهر (عليها السلام)

شهرستان مشهد

مقاله سطح دو (کارشناسی)

عنوان

عوامل و موانع عزت از دیدگاه امام سجاده (عليه السلام) با تأکید بر صحیفه سجادیه استاد

راهنما

سرکار خانم زهرا طیب زاده

استاد داور

سرکار خانم پورحسینی

پژوهشگر

مطهره سادات مصطفی زاده حقیقی

پاییز ۱۳۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	اقسام عزت
۳.....	عوامل عزت نفس از دیدگاه امام سجاد (علیه السلام)
۳.....	۱. اطاعت و فرمانبرداری از خداوند
۳.....	۲. قناعت و بی نیازی از مردم
۴.....	۳. ولایت مداری
۴.....	۴. آخرت گرایی
۵.....	۵. حق گرایی
۶.....	موانع عزت نفس از دیدگاه امام سجاد (علیه السلام)
۶.....	۱. پیروی از طاغوت و دشمنان خدا
۷.....	۲. دنیاطلبی
۸.....	۳. ظلم و تعدی
۸.....	۴. درخواست حاجت از مردم
۹.....	۵. گناه و معصیت
۱۱.....	نتیجه گیری
۱۲.....	پی نوشت

چکیده

این مقاله با موضوع عوامل و موانع عزت از دیدگاه امام سجاده علیه السلام با تأکید بر صحیفه سجادیه با هدف تشویق افراد به کسب عزت با بررسی و تحلیل این مقام معنوی در روایات امام سجاده علیه السلام است. عزت از کلمات کلیدی قرآن و حدیثی است که به معنای مانع از مغلوب شدن انسان و ظلم و ستم ناپذیری او در برابر مستکبران است که کلمه‌ی ذلت که در مقابل عزت قرار دارد. در معنای عزت متأسفانه در بیان مفهوم عزت و کرامت انسانی کمتر به بیانات و روایات این امام بزرگوار پرداخته شده است. از دیدگاه صحیفه سجادیه عواملی که موجب عزت نفس می‌شود عبارت است از اطاعت از خدا، ولایت مداری، صبر و ... و موانعی که بر سر راه عزت قرار دارد می‌توان به دنیاطلبی، پیروی از طاغوت، ظلم و تعدی، گناه و معصیت و ... نام برد. در این مجال از آیات قرآن و روایات این امام همام و صحیفه سجادیه بهره برده و عوامل و موانع عزت را از دیدگاه ایشان بررسی شده است.

این تحقیق از جهت راهبردها توصیفی - تحلیلی و از جهت جمع‌آوری مطالب کتابخانه‌ای است.

حاصل آن‌که با مراجعه به روایات، خطبه‌ها و همچنین دعا‌های آن حضرت در صحیفه سجادیه در می‌یابیم که حضرت در پوشش دعا و نیایش، نکات بسیار دقیق و تربیتی در مورد عزت بیان کرده‌اند که هر کدام از آنها کارساز و سازنده در زندگی فردی و اجتماعی انسان می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: موجبات عزت، موانع عزت، عزت نفس، عزیز، عزت، ذلت.

عزت

کلمه عزت مصدر ثلاثی مجرد از ماده‌ی (عَزَّ يَعِزُّ) است^۱ عزت در لغت یعنی شکست‌ناپذیری و حالتی که مانع مغلوب شدن انسان می‌شود^۲ علامه‌ی طباطبائی در مورد معنای این واژه می‌فرماید:

«کلمه‌ی عزت به معنای نایابی است، وقتی می‌گویند فلان چیز «عزیز الوجود» است، معنایش این است که به آسانی نمی‌توان بدان دست یافت و عزیز قوم به معنای کسی است که شکست دادنش و غلبه کردن بر او آسان نباشد؛ بر خلاف سایر افراد قوم که چنین نیستند؛ زیرا عزیز در بین خودش مقامی دارد.»^۳

اقسام عزت

عزت ممدوح: به معنای قاهر و غالب بودن، در اصل این قسم عزت از آن خداوند است، از این رو هر جا ذات پاک خداوند را عزیز توصیف می‌کنیم، این همان عزت واقعی و ممدوح است که مختص به خداست:^۴

«سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ»^۵ پاک و منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزیز، از آنچه درباره‌ی او (می‌پندارند و) توصیف می‌کنند.»

عزت ناپسند: عزت انسانی همیشه شایسته و ممدوح نیست، بلکه بعضاً ناپسند و مذموم است و آن عبارت از نفوذناپذیری در مقابل حق، روی برتافتن از حق‌پذیری، تکبر از پذیرش واقعیات و اصرار بر انحراف است که این عزت در حقیقت عین ذلت می‌باشد:

«وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ»^۶ و چون او را به نصیحت گویند: از خدا بترس! لجاجت و تعصب، او را به گناه می‌کشاند. پس آتش دوزخ او را کفایت کند که چه بد جایگاهی است.»

عوامل عزت نفس از دیدگاه امام سجاد (علیه السلام)

۱. اطاعت و فرمانبرداری از خداوند

قرآن و روایات معصومین علیهم السلام عزت حقیقی را از آن خدا دانسته و برای دستیابی به عزت راهی جز اطاعت و بندگی خدا نمی‌داند. قرآن در این باره می‌فرماید: «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»^۷ و «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا»^۸ بی تردید هر کس به ریسمان الهی چنگ بزند و از اوامر و دستورات خداوند پیروی کند عزیز خواهد شد.

از دیدگاه امام سجاد علیه السلام بزرگترین حق خدا بر بنده، عبادت و شریک قرار ندادن برای خداست. امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق خود در بیان این حق بزرگ می‌فرماید:

«فَأَمَّا حَقَّ اللَّهِ الْأَكْبَرُ فَإِنَّكَ تَعْبُدُهُ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِإِخْلَاصٍ جَعَلَ لَكَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكْفِيكَ أَمْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَحْفَظَ لَكَ مَا تُحِبُّ مِنْهَا»^۹ حق بزرگتر خداوند این است که او را بپرستی و چیزی را با او شریک نسازی، که اگر الصانه چنین کنی، خداوند کار دنیا و آخرت را کفایت می‌کند و آنچه را دوست داری برایت نگه می‌دارد.»

۲. قناعت و بی‌نیازی از مردم

از دیگر عوامل عزت و کرامت انسان مؤمن در آیات و روایات قناعت و بی‌نیازی از مردم و عدم چشم داشت به مال دیگران است.

امام سجاد علیه السلام همچنین در دعای ۲۰ صحیفه سجادیه از خداوند توانگری در مقابل دیگران طلب کرده تا دست به سوی دیگران دراز نکند و عزت خود را حفظ نماید. ایشان می‌فرمایند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَلَا تَبْتَذِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ فَاسْتَزِقْ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَاسْتَعِطِي شِرَارَ خَلْقِكَ، فَأَفْتِنِ بِحَمْدٍ مَنْ أَعْطَانِي، وَأُبْتَلِيَ بِذَمٍّ مَنْ مَنَعَنِي، وَأَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيُّ الْإِعْطَاءِ وَالْمَنْعِ»^{۱۰} خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و عزت و آبرویم را با توانگری حفظ فرما، و منزلتم را با تنگ دستی به خواری میفکن تا از روزی خواهانت روزی بخواهم و

دست نیاز به سوی مردمان فرومایه پیش آورم، و آنگاه به ستایش کسی که به من چیزی بخشیده فریب خورم و به نکوهش آن که چیزی از من دریغ داشته مبتلا گردم، حال آن که تنها توی که می بخشی و نمی بخشی.»

۳. ولایت مداری

یکی از مهمترین عوامل عزت و سربلندی اسلام و مسلمین را می توان پیروی از هادیان نور و معرفت و امامان شایسته بر شمرد. امام سجاد (علیه السلام) در این باره می فرمایند:

«طَاعَةُ وَلاَةِ الْأَمْرِ تَمَامُ الْعِزِّ»^{۱۱} پیروی از صاحبان امر [ائمه اطهار علیهم السلام] تمام عزت است.»

امام سجاد (علیه السلام) در هر جمعه خطاب به شیعیان و اصحاب خود به یاد آوری مسائلی می پرداخت که موجب عزت و سربلندی آنها در دنیا و آخرت بود. ایشان در یکی از خطبه هایش بعد از دعوت به تقوا و پرهیزگاری و ترس از خدا به مسئله بازگشت به سوی خدا و مرگ اشاره نموده اند و از باب انداز جامعه به تبیین مسائل مربوط به قبر و سؤال و جواب نیکر و منکر پرداخته اند و مؤمنان را به آمادگی قبل از امتحان دعوت نموده است.^{۱۲}

۴. آخرت گرایی

یکی از عوامل مهم عزت دنیوی و اخروی انسان، توجه به اصالت آخرت و فنا پذیری دنیا است. امام سجاد (علیه السلام) فلسفه خلق دنیا را این گونه معرفی می کند:

«إِنَّمَا خَلَقَ الدُّنْيَا وَخَلَقَ أَهْلَهَا لِيَبْلُوَهُمْ فِيهَا أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا لِّآخِرَتِهِ»^{۱۳} خداوند دنیا را آفرید و اهل آن را خلق کرد تا آنان را در دنیا بیازماید که کدامینشان برای آخرتش بهتر عمل می کنند.»

امام سجاد (علیه السلام) در مورد اهمیت آخرت گرایی در روایتی با حالت تعجب می فرمایند:

«عَجَبًا كُلُّ الْعَجَبِ لِمَنْ عَمِلَ لِدَارِ الْفَنَاءِ وَ تَرَكَ دَارَ الْبَقَاءِ»^{۱۴} بسیار عجیب است از کسانی که برای این دنیای زودگذر و فانی کار می‌کنند و خون دل می‌خورند ولی آخرت را که باقی و ابدی است رها و فراموش کرده‌اند.

امام علیه السلام کرامت را از آن خدا دانسته و زهد از دنیا و توجه به آخرت و رسیدن به کرامت و جایگاه رفیع را در سایه رحمت الهی از خداوند متعال خواستار است و با تمام وجود از او می‌خواهد:

«إِلَهِي أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْوَاجِبِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، ... أَنْ تُسَلِّيَ نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا بِمَخَافَتِكَ، وَ أَنْ تُثَنِّيَنِي بِالْكَثِيرِ مِنْ كَرَامَتِكَ بِرَحْمَتِكَ»^{۱۵} معبود من! به آن حق تو که بر همه آفریدگانت واجب است، از تو درخواست میکنم... که با افکندن خوف در دلم، دنیا را از یادم ببری، و به مهربانی ات به کرامت (احسان همراه با احترام و حفظ عزت) فراوانت بازم گردانی.

نتیجه اینکه اصالت با آخرت است و هر کس طالب عزت حقیقی و ابدی است باید با الگوبرداری از قرآن و زندگی معصومین به این عزت و سر بلندی دست یابد. از طرفی انسان زاهد و آخرت‌گرا در نزد مردم هم محبوبیت داشته و از عزتی والا برخوردار است.

۵. حق گرایی

یکی از عوامل مهم عزتمندی و شرافت انسان ادای حقوقی است که خداوند بر عهده او قرار داده و انسان مکلف به رعایت آن می‌باشد. حق گرایی و پیروی از حق انسان را به جایگاه رفیعی می‌رساند و او را در دنیا و آخرت سعادت‌مند می‌سازد. قرآن کریم حق گرایی را تکلیفی سنگین و سخت می‌داند و اکثر مردم را حق‌گریز معرفی می‌کند.

امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق خود حدوداً ۵۰ حق از حقوقی که انسان باید رعایت کند، پرداخته است. حقوقی که تحقق آن سبب عزت و کرامت انسان در نزد مردم و در پیشگاه خداوند می‌شود. حقوقی چون حق خداوند، حق پیامبران و امامان، زیر دستان، خویشاوندان و برادران و

همسایگان و.... حقوقی که اگر ادا شود انسان عزیز می‌شود و اگر ترک شود انسان ذلیل و خوار می‌شود.^{۱۶}

امام باقر (علیه السلام) در روایتی می‌فرمایند:

هنگامی که پدرم لحظات آخر عمر را می‌گذراند، مرا به سینه اش چسباند و فرمود:

«يَا بُنَيَّ أَوْصِيكَ بِمَا أَوْصَانِي بِهِ أَبِي حِينَ حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ وَبِمَا ذَكَرَ أَنَّ أَبَاهُ أَوْصَاهُ بِهِ، يَا بُنَيَّ اصْبِرْ عَلَى الْحَقِّ وَإِنْ كَانَ مُرًّا»^{۱۷} ای پسر عزیزم! تو را وصیت میکنم به آنچه پدرم هنگام شهادت به من وصیت کرد و فرمود که پدرش به او وصیت کرده است. پسر جانم! بر حق استقامت کن، گرچه تلخ باشد.»

موانع عزت نفس از دیدگاه امام سجاد (علیه السلام)

۱. پیروی از طاغوت و دشمنان خدا

توحید و اعتقاد به خدای یگانه و اطاعت و فرمانبرداری از او عامل عزت و سربلندی انسان بود، و بدون شک شرک به خدا و پیروی از طاغوت را می‌توان یکی از عوامل ذلت برشمرد. خداوند در سوره مبارکه اسراء می‌فرماید:

«لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا»^{۱۸} هرگز معبود دیگری را با خدا قرار مده،

که نکوهیده و بی‌یار و یاور خواهی نشست!

امام سجاد (علیه السلام) در مناجات با خداوند به این مسأله اشاره می‌کند که خواستن عزت از غیر

خدا باعث ذلت انسان می‌گردد. ایشان می‌فرمایند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْلَصْتُ بِانْقِطَاعِي إِلَيْكَ... وَرَأَيْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُحْتَاجِ إِلَى الْمُحْتَاجِ سَفَهُ مِنْ رَأْيِهِ وَ

ضَلَّةٌ مِنْ عَقْلِهِ. فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ - يَا إِلَهِي - مِنْ أَنْاسٍ طَلَبُوا الْعِزَّ بِغَيْرِكَ فَذَلُّوا، وَرَأَوْا الثَّرْوَةَ مِنْ سِوَاكَ

فَافْتَقَرُوا، وَحَاوَلُوا الِارْتِفَاعَ فَاتَّضَعُوا»^{۱۹} ای خداوند، من از روی اخلاص، تنها و تنها تو را

برگزیده‌ام... بر آنم که در خواست نیازمندی از نیازمند دیگر سفاهت رأی است و ضلالت عقل.

چه بسا- ای خداوند من- دیده‌ام کسانی را که عزّت نه از تو طلبیده‌اند و به ذلت افتاده‌اند و جز از خزانه فضل تو توانگری جسته‌اند و بینوا شده‌اند و آهنگ بلندی کرده‌اند و به پستی گراییده‌اند.»

۲. دنیا طلبی

دنیا و مظاهر آن فریبنده است و انسان را به سوی خود جذب میکند. دنیا در نظر قرآن و معصومین (علیهم السلام) گاهی ممدوح و گاهی مذموم شمرده شده است. اگر دنیا بر اساس توجه به آخرت و به عنوان محلی برای کاشت اعمال نیک در نظر گرفته شود و هدف اصلی آخرت باشد این دنیا دنیای ممدوح و پسندیده است. اما اگر دنیا هدف انسان شد و تمام هم و غم انسان دنیای فانی قرار گرفت این دنیا از سوی قرآن و روایات معصومین مذموم شمرده شده است. دنیای منهای خدا، دنیای همراه با منیت و غرور، دنیای همراه با جهل و نادانی و امثال این، دنیای مذموم است.^{۲۰} امام سجاد (علیه السلام) در دعای ۲۰ صحیفه از خداوند متعال ژهد درخواست می‌کند و می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةٍ، وَفَرَاغاً فِي زَهَادَةٍ، وَعِلْماً فِي اسْتِعْمَالٍ؛^{۲۱} بارخدایا بر محمد و آلش درود فرست و مرا سلامتی‌ای که در عبادت، و فراغتی که در زهد مصرف شود، و دانشی که به کار بندم روزی نما.»

امام سجاد (علیه السلام) در دعای ۲۱ صحیفه نیز به این مسئله پرداخته و می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ ثَنَائِي عَلَيْكَ، وَمَدْحِي إِيَّاكَ، وَحَمْدِي لَكَ فِي كُلِّ حَالَتِي حَتَّى لَا أَفْرَحَ بِمَا آتَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا، وَلَا أُحْزَنَ عَلَى مَا مَنَعْتَنِي فِيهَا؛^{۲۲} مرا در هر حال به ستایش و نیایش و سپاسگزاری برگمار تا به آنچه از دنیا به من داده‌ای شاد نگردم، و به آنچه مرا از آن باز داشته‌ای اندوهگین نشوم.»

نتیجه این که تمام بدبختی‌ها و ذلت و خواری‌های انسان از حب دنیا سرچشمه می‌گیرد،

که این مسأله در آیات و روایات معصومین (علیهم السلام) مخصوصاً امام سجاد (علیه السلام) قابل برداشت است.

۳. ظلم و تعدی

ظلم و ستمگری از دیگر عوامل ذلت و خواری انسان است. انسان ظالم نه تنها در دنیا منفور و پست شمرده می‌شود بلکه در آخرت در جایگاهی ظلمانی و تاریک قرار خواهد گرفت و خداوند در آیات متعدد قرآن ظالمان و کسانی را که از حقوق الهی تعدی میکنند را مستحق عذاب دانسته و آنها را از عاقبت بدی که در انتظارشان است ترسانده است.^{۲۳}

امام سجاد (علیه السلام) ظلم را عامل سیه‌شدن صورت ظالم در قیامت می‌داند:

«وَبَيِّضُ وَجْهَنَا يَوْمَ تَسْوَدُ وَجْهُهُ الظَّالِمَةُ فِي يَوْمِ الْحَسْرَةِ وَالنَّدَامَةِ»^{۲۴} و در آن روز که

صورت ستم پیشگان سیاه شود که روز اندوه و ندامت است چهره های ما را سپید گردان.

چنانکه از دعا‌های فوق الذکر استفاده می‌شود، امام سجاد (علیه السلام) ظلم را موجب عذاب الهی دانسته‌اند. قابل ذکر است که از دیدگاه قرآن، عذاب خداوند در آخرت باعث خزی و ذلت فرد جهنمی است:

«رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ»^{۲۵} پروردگارا، هر که را تو در

آتش درآوری، یقیناً رسوایش کرده‌ای، و برای ستمکاران یاورانی نیست.

۴. درخواست حاجت از مردم

یکی از عوامل ذلت و خواری انسان طلب و درخواست از مردم و غیر خداست چرا که این درخواست چه برآورده شود و چه نشود انسان را خوار می‌کند. برآورده شدن حاجت توسط مردم همراه با منت و عدم اجابت همراه با سرشکستگی و یأس می‌باشد و این مسئله خواری و ذلت به بار می‌آورد. لذا از انسان خواسته شده که قناعت ورزیده و از درخواست از مردم بپرهیزد.^{۲۶} امام سجاد (علیه السلام) نیز شیعیان را از طلب حاجت از مثل خود و غیر خدا منع نموده و می‌فرمایند:

« طَلَبُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ مَذَلَّةٌ لِلْحَيَاةِ وَ مَذْهَبَةٌ لِلْحَيَاءِ، وَ اسْتِخْفَافٌ بِالْوَقَارِ وَ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرِ،

وَ قِلَّةُ طَلَبِ الْحَوَائِجِ مِنَ النَّاسِ هُوَ الْغِنَى الْحَاضِرُ»^{۲۷} دست نیاز به سوی مردم دراز کردن، سبب ذلت و

خواری در زندگی و در معاشرت خواهد بود. و نیز موجب از بین رفتن حیا و کاهش وقار خواهد گشت. و همین خود فقر بالفعل است (که گریبانگیر شخص شده) و (اما) کم بودن نیازمندیها از مردم خود غنا و توانمندی بالفعل است (که شخص به آن آراسته است).»

همچنین امام سجاد (علیه السلام) در دعای دیگر می فرماید:

« وَ نَعُوْذُ بِكَ مِنْ شِمَاتَةِ الْاَعْدَاءِ، وَ مِنْ الْفَقْرِ اِلَى الْاُكْفَاءِ، وَ مِنْ مَعِيْشَةٍ فِيْ شِدَّةٍ، وَ مِيْتَةٍ عَلٰى

غَيْرِ عُدَّةٍ؛^{۲۸} خدایا پناه می بریم به تو از شماتت و شاد شدن دشمنان و از نیازمندی به همانندان خودم و از زندگی در سختی، و از مردن بی توشه سفر. »

با این بیانات ارزشمند روشن می شود طلب حاجت از مردم ذلت و خواری به دنبال داشته و انسان باید تا حد امکان در اضطرار و تنگدستی نیز از این مسأله دوری گزیند و عزت خود را حفظ نماید.

۵. گناه و معصیت

یکی دیگر از عوامل خواری و ذلت انسان در دنیا و مخصوصاً در آخرت گناه و معصیت است. هر گناه و معصیت دارای اثر وضعی در زندگی انسان و جامعه انسانی دارد و در آخرت هم انسان شدیداً مورد بازخواست قرار می گیرد و به همین دلایل خداوند در قرآن کراراً از انسان می خواهد از گناه و معصیت دوری نماید و فریب لذت زود گذر گناه را نخورد.^{۲۹} امام سجاد (علیه السلام) نیز در روایتی هشدارگونه به دوری از گناه و ضررهای آن اشاره می کند و با حالت تعجب می فرماید:

« عَجِبْتُ لِمَنْ يَحْتَمِي عَنِ الطَّعَامِ لِمَضَرَّتِهِ، وَ لَا يَحْتَمِي مِنَ الذَّنْبِ لِمَعَرَّتِهِ؛^{۳۰} تعجب می کنم از

کسی که از طعام، به خاطر ضررش پرهیز می کند، ولی از گناه به خاطر بدی و ننگ آن پرهیز نمی کند. »

گناه و نافرمانی از دستورات خداوند انسان را بیچاره و وا مانده می‌کند و او را از مسیر تعالی باز می‌دارد.^{۳۱} امام سجاد(علیه السلام) با اشاره به این مطلب پرهیزکاری از گناهان را توصیه کرده و می‌فرماید:

« فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاتَّعِظُوا بِمَوَاعِظِ اللَّهِ وَمَا أَعْلَمُ إِلَّا كَثِيرًا مِنْكُمْ قَدْ نَهَكْتُمْ عَوَاقِبَ الْمَعَاصِي فَمَا حَذَرَهَا وَأَضَرَّتْ بِدِينِهِ فَمَا مَقَّتَهَا أَمَا تَسْمَعُونَ النَّدَاءَ مِنَ اللَّهِ بِعَيْبِهَا وَتَصْغِيرِهَا؛^{۳۲} پس تا آنجایی که در توان دارید خدا را پرهیزگاری نمایید و به سخنانش گوش سپارید و فرمان برید و از او پروا کنید و از اندرزهای الهی پند گیرید. من همین قدر می‌دانم که بسیاری از شما در اثر نافرمانی و امانده شده‌اید و باز هم از گناهان دست بر نمی‌دارید و با اینکه به دین او ضربه زده باز هم آنها را بد نمی‌دانند. آیا فریاد الهی را نمی‌شنوید که آنها را عیب می‌داند و حقیر به شمار می‌آورد.»

نتیجه گیری

ما در این مقاله با تکیه بر کلام امام سجاد (علیه السلام) به بررسی اهمیت و جایگاه عزت نفس پرداخته و به نتایج ذیل دست یافتیم:

با بررسی مفهوم عزت نفس در آیات و روایات معصومین (علیهم السلام) مخصوصاً امام سجاد (علیه السلام) روشن شد که عزت حقیقی و بالذات از آن خداوند متعال است و هر کس به دنبال عزت و سربلندی حقیقی است باید به عزیز بالذات وصل شود و انتهای هر مسیری غیر از این با ذلت و خواری همراه است. همچنین با بررسی عوامل تحقق عزت و کرامت نفس روشن ساخت که قول و فعل امام منبع عزت است و لذا بر همه انسان‌های طالب عزت شایسته و لازم است که از اوصاف آن امام بزرگوار تأسی جسته و او را ولی خود در امورات زندگانی قرار دهند و دوری از آن‌ها می‌تواند انسان را به طاغوت‌های زمان نزدیک کند و خواری و ذلت نفس را در بر داشته باشد. عواملی چون اطاعت و فرمان‌برداری از خداوند، قناعت و بی‌نیازی از مردم و امیدواری به خدا، پیروی از راست‌پیشگان و اولیای خدا، آخرت‌گرایی، ادای حقوق دیگران، از جمله این عوامل هستند که از قول و فعل امام سجاد (علیه السلام) برداشت می‌شود و نیز شناخت و بررسی عوامل ذلت یا به تعبیر دیگر موانع عزت عنوان دیگری بود که از دیدگاه قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) مخصوصاً امام سجاد (علیه السلام) روشن شد پیروی از طاغوت و دشمنان خدا (شرک)، دنیا طلبی، ظلم و تعدی، درخواست حاجت از مردم، گناه و معصیت، هم‌نشینی بد و کبر و غرور از جمله عواملی هستند که ذلت و خواری دنیوی و اخروی را برای انسان رقم می‌زند.

پی نوشت

۱. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ ه.ق، ج ۹، ص ۱۸۵.
۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه حسین خدایرست، تهران، نشر نوید اسلام، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۳۲.
۳. محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۳۷، ج ۳، ص ۲۰۶.
۴. محمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۲۷۲.
۵. سوره صافات، آیه ۱۸۰.
۶. سوره بقره، آیه ۲۰۶.
۷. سوره یونس، آیه ۵۶.
۸. سوره فاطر، آیه ۱۰.
۹. حسین بن محمد نوری، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۱، ص ۱۵۵.
۱۰. صحیفه سجادیه، دعای ۲۰، فراز ۲۶.
۱۱. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۸۳.
۱۲. جواد محدثی، سیره سجادی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۹۴، ص ۸۱.
۱۳. محمد محمدی ری شهری، دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۶.
۱۴. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۲۷.
۱۵. همان، دعای ۵۲.
۱۶. محمد یثربی کاشانی، سیری در رساله حقوقی امام سجاد، تهران، سیب سبز، ۱۳۹۰، ص ۱۵.
۱۷. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۷.
۱۸. سوره اسراء، آیه ۲۲.
۱۹. صحیفه سجادیه، دعای ۲۸.
۲۰. غلامرضا بهرامی، آیین دوستی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۴، ص ۱۵۰.
۲۱. صحیفه سجادیه، دعای ۲۰، فراز ۲۷.
۲۲. همان، دعای ۲۱، فراز ۹.

- ^{۲۳}. محمد متولی شعرای، ظلم و ظالمین، ارومیه، حسینی اصل، ۱۳۸۹، ص ۳۷.
- ^{۲۴}. همان، دعای ۴۰، فراز ۱۶.
- ^{۲۵}. سوره آل عمران، آیه ۱۹۲.
- ^{۲۶}. اکبر دهقان، پرسش های اعتقادی، تهران، سازمان حج و زیارت، ۱۳۹۳، ص ۲۵.
- ^{۲۷}. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۳۶.
- ^{۲۸}. صحیفه سجادیه، دعای ۸، فراز ۷.
- ^{۲۹}. علی اکبر صمدی یزدی، آثار گناه در زندگی و جبران آن، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۵، ص ۱۷۴.
- ^{۳۰}. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم، قم، دارالحديث، ۱۳۷۶، ص ۳۳۰.
- ^{۳۱}. محمدرضا انجوی نژاد، اثرات گناه، تهران، طوبای محبت، ۱۳۸۹، ص ۱۰۱.
- ^{۳۲}. محمد فیض کاشانی، الوافی، اصفهان، کتابخانه امیرالمومنین، ۱۴۰۶ ه.ق، ج ۲۶، ص ۲۵۴.